



Vol. 11 | Issue. 42 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.500880.1394>

The Status of Women in Imam Khomeini’s Political Islam & Salafi Islam

Zeinab Mohammadzadeh

Assistant Professor of Islamic Jurisprudence, Legal Foundations, and Imam Khomeini’s Thought, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

z.mohammadzade63@gmail.com

Mohammad Afshar

M.A. in Islamic Jurisprudence and Legal Foundations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

fredrally28@gmail.com

Mohammadreza Pouyafar

Assistant Professor of Sociology, Amin Police University, Tehran, Iran.

mrpouyafar@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2024 /11 /21</p> <p>Revised: 2024 /12 /19</p> <p>Accepted: 2025 /01 /03</p> <p>Published Online: 2025 /01 /19</p>	<p>Different interpretations of Islam can have significant impacts on social orientations within Muslim societies. These impacts become even more profound when a specific interpretation forms the ideological foundation of a political system. The Taliban’s interpretation of Islam has imposed distinct restrictions, obligations, and conditions—particularly affecting individual lives and societal structures in Afghanistan, especially for women. On the other hand, Imam Khomeini’s thought exemplifies an adaptation of Islamic thought to contemporary societal needs, including women’s roles in public life.</p> <p>This research compares the status of women in Imam Khomeini’s political Islam & Salafi Islam. The study employs a documentary method, utilizing data derived from legal content, policies, and governance practices reported in official news platforms. Key areas of comparison include hijab, marriage, employment and social participation, political engagement, women’s education, and access to healthcare services.</p> <p>Findings indicate that the Taliban’s interpretation—claimed to be based on the traditions of the Prophet (PBUH) & the Caliphs—emphasizes restricting women’s roles in public and political spheres as well as limiting their access to essential services. In contrast, Imam Khomeini’s vision, while upholding women’s dignity & true freedom, recognizes their significant and comparable social roles alongside men.</p> <p>Keywords: Political Islam, Imam Khomeini, Salafi Islam, Women’s Political Participation.</p>



<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.500317.1393>

دوره ۱۱ | شماره ۴۲ | زمستان ۱۴۰۳

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

جایگاه زن در اسلام سیاسی امام خمینی و اسلام سلفی

زینب محمدزاده

استادیار فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

z.mohammadzade63@gmail.com

محمد افشار

کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

قزوین، قزوین، ایران.

fredrally28@gmail.com

محمد رضا پویافر

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران

mpouyafar@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
روایت‌ها و قرائت‌های مختلف از اسلام می‌تواند اثرات بسیار مهمی در جهت‌گیری‌های اجتماعی در جوامع مسلمان برجای بگذارد. این تأثیرات به‌ویژه وقتی روایت خاصی از اسلام، مبنای تأسیس یک نظام سیاسی قرار گیرد، دامنهٔ فراگیرتری خواهد داشت. روایت طالبان از اسلام، محدودیت‌ها، الزامات و اقتضانات ویژه‌ای بر زندگی فردی مردم و حیات اجتماعی جامعه افغانستان به‌ویژه زنان تحمیل کرده است. از سوی دیگر، اندیشهٔ امام نمونهٔ بارزی از تطبیق اندیشه اسلامی با اقتضانات امروز جامعه، از جمله در مورد زندگی و نقش اجتماعی زنان در جامعه بوده است. در این پژوهش جایگاه زن در اسلام سیاسی امام و اسلام سلفی مورد مقایسه قرار گرفته است. روش پژوهش، اسنادی و داده‌های پژوهش شامل اطلاعات اسنادی مبتنی بر محتوای احکام و قوانین و مقررات، بازنمایی سیاست‌ها و رویه‌های حکمرانی در پایگاه‌های خبری بوده است. این مقایسه در محورهای حجاب، ازدواج، اشتغال و مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، آموزش و تحصیل زنان و همچنین استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی در اندیشهٔ طالبان و امام انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندیشهٔ طالبان که تفسیر خود از اسلام را مبتنی بر سنت پیامبر(ص) و خلفا می‌داند، اصل را بر محدودیت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و استفاده از خدمات و امکانات آموزشی، بهداشتی درمانی و مانند آن قرار داده است. در مقابل، امام در عین توجه به شأن، کرامت و آزادی حقیقی زن، جایگاه و نقش اجتماعی مهم و مشابه با مردان برای زنان قائل شده است.	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴</p> <p>انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰</p> <p>صفحات: ۶۹-۱۰۰</p>
کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی، امام خمینی، اسلام سلفی، مشارکت سیاسی زنان	

مقدمه

مسئله زنان و نقش و جایگاه آنان در جامعه، همواره یکی از پرسش‌های مهم از جوامع مسلمان و به‌ویژه جوامعی که تحت نظام سیاسی مبتنی بر دین اداره می‌شوند، بوده است. در این میان، خاورمیانه بستر مهم تعدادی از نظام‌های سیاسی مبتنی بر دین بوده که بخش مهمی از آن‌ها را می‌توان در چهارچوب اسلام اجتهادی شیعی و اسلام سلفی تعریف کرد.

طالبان که در چندین دوره از تاریخ افغانستان قدرت را به دست گرفته‌اند، ایدئولوژی خود را بر اساس تفسیر خاصی از اسلام و اصول سنتی اعمال کرده و دولت خود را بر اساس آن تشکیل داده‌اند. روش و شیوه عملکرد طالبان و رویکرد آن‌ها نسبت به اجتماع، زنان، حقوق بشر و دیگر مسائل از نظر بسیاری از افراد و سازمان‌های بین‌المللی انتقادپذیر است. زنان در افغانستان از زمان حکومت طالبان با محدودیت‌های بسیاری مواجه شدند. آن‌ها به راحتی امکان تحصیل در دانشگاه‌ها و حضور در محیط کار را نداشته با محدودیت‌های بسیاری در زمینه حجاب و سایر موارد روبرو هستند. این محدودیت‌ها با تأثیرات منفی گسترده بر آزادی و حقوق زنان در افغانستان موجبات نارضایتی آن‌ها را فراهم آورده است. با وجود این، همچنان بسیاری از زنان افغان تلاش می‌کنند تا به تحصیلات خود ادامه دهند و در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند.

در سوی دیگر، در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران نیز با داعیه اجرای احکام اسلام در جامعه رویکرد جدیدی در زمینه نقش و جایگاه زنان اتخاذ کرد. امام، ایدئولوژی خود را بر اساس تفسیر خاصی از اسلام و اصول انقلاب اسلامی استوار ساخت. وی به دنبال برقراری یک دولت اسلامی بر اساس اصول اسلامی و تأمین حقوق مردم بود. این رویکرد، بر نقش زنان به‌عنوان مادر و همسر و تربیت‌کننده خانواده، توجه و توصیه ویژه‌ای دارد. زنان ایرانی دارای حقوق قانونی از جمله حق رأی و شرکت در انتخابات بوده، می‌توانند در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، بهداشت، هنر و فرهنگ، ورزش و... فعالیت‌های حرفه‌ای داشته باشند. با این حال، تأکید بر تعریف جایگاه و حقوق زن در جامعه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از سوی حکومت اسلامی، محدودیت‌هایی را برای زنان از جمله الزام به پوشش متناسب با اصول اسلامی و برخی تفاوت‌ها در حقوق و آزادی‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی نسبت به مردان ایجاد کرد.

در سال‌های اخیر با تشکیل و استقرار حکومت مجدد طالبان در افغانستان، ادعاهایی مبنی بر وجود شباهت میان حکومت طالبان با مدل حکومتی جمهوری اسلامی با رهبری و محوریت اندیشه‌های امام از سوی برخی مخالفان جمهوری اسلامی و حتی برخی از رهبران طالبان مطرح شده است. ادعای همسانی این حکومت‌ها همچنین درباره نقش و حقوق زنان در دو جامعه ایرانی و افغانی به شکل ویژه‌ای محل بحث و بررسی است. مدعیان استدلال می‌کنند که در هر دو اندیشه امام و طالبان مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی شباهت‌های اساسی است. مثلاً آن‌ها به محدودسازی حقوق و آزادی‌های زنان در این دو کشور و تأکید بر نقش اصلی زن در خانه و خانواده اشاره دارند.

باید توجه داشت که به‌رغم وجود برخی دیدگاه‌ها و آرای مشترک در مبانی فقهی طالبان و امام و حکومت‌های برگرفته از آن‌ها از جمله ابتدا بر قوانین و دستورات دین اسلام و تشکیل حکومت‌های مستقل از قدرت‌های سلطه‌طلب خارجی، همچنان نگرش‌های متفاوتی نسبت به اجتماع، فرهنگ و سیاست در دو کشور وجود دارد و این تفاوت‌ها در جزئیات و نحوه اجرای محدودیت‌ها و حقوق زنان مشهود است.

پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که جایگاه زن در اندیشه طالبان و امام چگونه تعریف شده است؟

۱. پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت مسئله زن و ارتباط میان نقش و جایگاه وی در جامعه با آموزه‌های دینی، تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره جایگاه زنان در هر دو رویکرد اجتهادی و سلفی از دین اسلام صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه، مقاله «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر» (۱۴۰۰) به بررسی و مقایسه جایگاه زن در سه رویکرد جریان سلفی درباری، جهادی و اصلاحی پرداخته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که هر سه رویکرد پیش‌گفته، دارای مبانی مشترک معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است، با این حال، تحت تأثیر وضعیت فرهنگی اجتماعی و جغرافیایی تاریخی، دارای نگاه‌های متفاوتی در فقه مقاصدی و فقه صنعتی هستند.

اندیشه فقهی و سیاسی امام نیز به عنوان مصداق بارز اسلام اجتهادی شیعی در عصر حاضر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی محور پژوهش‌های متعددی واقع شده است. برای مثال می‌توان به مقاله «جایگاه زن در اندیشه سیاسی امام خمینی» (۱۳۹۰) که در جلد چهارم مجموعه مقالات همایش سراسری اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی امام خمینی به چاپ رسیده است، اشاره کرد. نویسنده در این مقاله رویکردهای موجود درباره مشارکت سیاسی زنان را در سه قسم کلی «افراطی»، «تفریطی» و «متعادل» مورد بررسی قرار داده است. مقاله «جایگاه زن در اندیشه امام خمینی و آثار اجتماعی آن» (۱۳۹۶) عنوان مقاله دیگری در این حوزه است. باین حال، هیچ پژوهشی به مقایسه و تطبیق دو رویکرد اجتهادی و سلفی درباره زنان به طور خاص نپرداخته است. البته مقاله «مبانی نظریه اسلام سیاسی امام خمینی در مقایسه با نظریه‌های رقیب اسلام سلفی و سکولار» (۱۳۹۸) بدون بررسی جزئی تفاوت دو دیدگاه در مسئله زن به مقایسه این دو رویکرد به صورت کلی پرداخته است.

این پژوهش، مبانی اسلام سیاسی امام را شامل مؤلفه‌های خدامحوری، عقل‌گرایی، نص‌گرایی اجتهاد محور، سعادت‌طلبی و پیوند دین و سیاست و در مقابل، اسلام سلفی را مبتنی بر مطلق‌انگاری، جزمیت، عقل‌گریزی، انحصارطلبی و سطحی‌گرایی دینی معرفی کرده است. پژوهش حاضر به خلاف پژوهش‌های پیشین به بررسی وجوه شباهت و افتراق بین اسلام سیاسی امام به عنوان مصداق بارز اسلام اجتهادی - شیعی در عصر حاضر و اسلام سلفی طالبانی در مورد جایگاه زنان پرداخته است.

۲. چهار چوب مفهومی

۲-۱. اسلام سیاسی

اسلام سیاسی یکی از قرائت‌های رایج از اسلام است که در مقابل «اسلام سنتی» قرار دارد. رویکرد سنتی به اسلام، دین را محدود به امور فردی و عبادی می‌دانستند. در این رویکرد با وجود توصیف اسلام به عنوان یک دین جامع در تمام امور دنیوی و اخروی، عملاً دین به حوزه سیاست و امور مربوط به حکومت دخالت داده نمی‌شد. در دنیای مدرن غربی نیز دین از امور عرفی و دنیوی جدا بوده و هرگونه مداخله دین در سیاست، امری نابهنجار تلقی می‌شود. کم‌کم در اواخر قرن بیستم با گسترش تعامل و بلکه تقابل با غرب و پیدایش آرمان تشکیل

حکومت اسلامی، اصطلاح و اندیشهٔ اسلام سیاسی در راستای بازگشت به اسلام اصیل ظهور و بروز یافت. اسلام سیاسی تمایز بین دین و سیاست را انکار کرده، مرجعیت امور سیاسی را بر عهدهٔ دین می‌داند. در ایران معاصر، اسلام سیاسی با پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی توانست به آرمان تشکیل حکومت اسلامی دست یابد (جمشیدی‌راد و محمودپناهی، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۷-۱۲۸). امام در تعریف و ترویج این تفسیر از اسلام می‌گوید: «والله اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند، سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۷۰). «اسلام فقط عبادت نیست، فقط تعلیم و تعلم عبادی نیست. اسلام سیاست است. اسلام از سیاست دور نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۲۰۰). واژهٔ اسلام سیاسی و طرح آن به‌وسیلهٔ امام بدان جهت اهمیت دارد که تفسیر و تلقی ایشان از اسلام با قرائت‌های دیگر از اسلام مانند اسلام سلفی و اسلام سکولار بسیار متفاوت است؛ اسلامی است که نه در ورطهٔ افراط گرایش‌های سلفی گرفتار شده و نه در دامن تفریط اسلام سکولار افتاده است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۲).

۲-۲. اسلام سلفی

اسلام سلفی، قرائتی از اسلام منتسب به جریان‌های سلفی در جهان اسلام از جمله جریان تکفیری وهابیت، جریان اخوانی، جریان سلفی تکفیری جهادی است. اگرچه به عقیدهٔ برخی اندیشمندان مسلمان، سلفیه جریانی نوپدید است و به‌عنوان گروهی خاص با افکار و عقاید مخصوص در صدر اسلام وجود خارجی ندارد؛ اما اندیشه سلفی گری پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام (قرن دوم و سوم) دارد. اسلام سلفی بر عقاید صحابه و سلف صالح و قول و فعل ایشان تأکید دارد. جریان‌های مختلف سلفی بر تفکرات ابن تیمیه و گرایش‌های افراطی سید قطب پایه‌گذاری شده و در حال گسترش است. از جمله گروه‌های جهادی سلفی، طالبان هستند که اعضای آن آمیزه‌ای از علمای دین (مولوی‌ها)، مجاهدان جبهه‌های جهاد و طلاب علوم دینی پاکستان و افغانستان هستند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳).

۳. پیشینه حکمرانی طالبان

طالبان در افغانستان، تجربه دو دوره حکمرانی به نام دین دارد. تاریخچه آن‌ها به دوران جنگ داخلی افغانستان در دهه ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد. آن‌ها ابتدا به‌عنوان یک گروه مبارز در جنوب افغانستان شکل گرفتند و سپس با پشتیبانی جوامع قومی و قبایلی به سرعت قدرت خود را گسترش داده و با نیروهای دیگر مبارزه کردند. در اواخر سال ۱۹۹۶ طالبان کنترل پایتخت را به دست گرفته، دولت قبلی را مجبور به گریز کرده و حاکم بلامنازع دوسوم سرزمین افغانستان شد. مناطق شمالی از جمله مزار شریف تا حد زیادی به مقاومت در برابر طالبان ادامه داد؛ زیرا ساکنان این مناطق به پشتون‌ها اعتماد نداشتند و معتقد بودند که آن‌ها می‌خواهند حکومت استبدادی عقب‌مانده پشتون را بر افغانستان تحمیل کنند. مزار شریف سرانجام در سال ۱۹۹۸ به کنترل طالبان درآمد؛ ولی گروه‌های مقاومت در نود درصد خاک افغانستان که به تدریج تحت سلطه طالبان درآمد، به مبارزاتشان ادامه می‌دادند. برای طالبان لازم بود که مخالفت‌ها را با ارباب و خشونت مهار کند. قوم هزاره که شیعه‌مذهب بودند، از نظر طالبان کافر به حساب می‌آمدند و به‌طور خاصی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. (Rashid, 2001, pp. 139-140)

در زمان حکومت طالبان، کشور افغانستان از حکومت سرزمینی به یک پله پایین‌تر سقوط کرد و به‌صورت قومی تقسیم و اداره می‌شد. طالبان، کابل و تقریباً ۹۰ درصد کشور را در اختیار داشت که شامل مناطق پشتون‌نشین در جنوب نیز می‌شد. در این هنگام گروه‌های مخالف نیز در شمال افغانستان که ترکیب نژادی متنوعی داشت، سنگر گرفته بودند (محمدپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). در این زمان بود که طالبان از دیدگاه مادی به یک ساختار «خودکفا» مبدل شدند و ۸۵ درصد همه کشتزارهای مواد مخدر در افغانستان که درآمد سالانه محصولات آن‌ها بین ۱۴-۱۲ میلیارد دلار برآورد می‌شد در اختیار آنان بود (پلاستون و آندریانف، ۱۳۸۰، ص. ۱۷).

آمریکا و ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۱ تصمیم گرفتند با آغاز عملیات نظامی در افغانستان، طالبان و گروه‌های تروریستی مرتبط با آن‌ها را از قدرت بیرون کرده و افغانستان را از وجود آن‌ها آزاد کنند. این عملیات به نام «عملیات آزادی محکوم» شناخته می‌شد و در نتیجه آن، طالبان کنترل و سیطره خود بر افغانستان را از دست دادند. در سال

۲۰۰۶ طالبان دوباره اعلام موجودیت کرد و پس از مخالفت با حاکمیت افغانستان، به بیشتر قسمت‌های جنوب افغانستان به‌ویژه زابل، قندهار و هلمند نفوذ کرد. دو سال بعد، طالبان به سمت پایتخت پیشروی نمودند؛ اما این بار توفیقی در به دست گرفتن حکومت پیدا نکردند (رابین، ۱۳۸۶، ص. ۱۷)؛ اما این پایان کار نبود و در اواخر سال ۲۰۲۱، طالبان پس از پیشروی سریع در افغانستان و فرار رئیس‌جمهور این کشور، حکومت کابل را به دست گرفتند. این موضوع سبب شد که طالبان دوباره به‌عنوان قدرت حاکم در افغانستان شناخته شوند. حکومت جدید طالبان سبب نگرانی‌های زیادی از جمله حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان و دختران و اجرای عدالت و امنیت در داخل و خارج از افغانستان شده است.

۴. مبانی اسلام سلفی طالبانی

طالبان با ادعای پایبندی به شریعت اسلامی و اصول فقه حنفی و براساس تفسیر و تفکر خاصی از قرآن و سنت پیامبر^(ص)، مفهومی از اسلام متفاوت از سایر گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی ارائه می‌کنند. به‌طور کلی، طالبان اسلام را به‌عنوان ستون فقرات اصلی ایدئولوژیک خود و همچنین مبنایی برای حکومت و اداره امور سیاسی و اجتماعی در افغانستان می‌بینند. اندیشه طالبان بر پایه مبانی فقهی و اعتقادی خاص و بر دو اصل استوار است:

۱. قرآن: طالبان از قرآن به‌عنوان منبع اصلی اسلام و شریعت استفاده می‌کنند. آن‌ها بر اساس تفسیر خاصی از آیات قرآنی اقدامات و اصول خود را تدوین می‌کنند.
۲. سنت: طالبان، افزون بر قرآن، از سنت پیامبر اسلام و روایات وی نیز به یکی دیگر از منابع اصلی استنباط و اجرای احکام اسلامی استفاده می‌کنند.

طالبان به‌عنوان یک جریان سلفی به لحاظ معرفت‌شناسی، حس‌گرا و از نگاه روش‌شناسی، ظاهرگرا هستند و «نقل‌گرایی» آنان را به سمت ترجیح نقل بر عقل هدایت می‌کند. از نگاه سلفیون، عقل در شئون دینی صلاحیت ندارد (سیدنژاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۸). از نظر جمعیت علمای طالبان، تمام قوانین زندگی براساس سنت و قرآن تدوین می‌شود و قوانین رایج حکومتی باید در راستای دین اسلام و تکمیل‌کننده دستورات حضرت محمد^(ص) باشد و جزئیات روش زندگی و مملکت‌داری خلفای راشدین و صحابه که نمونه یک نظام اسلامی است، باید معیار و الگوی مردم و جامعه قرار گیرد (حقانی، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۲).

متن‌گرایی افراطی این جنبش فکری، حق تصرف در ظاهر متون را به مخاطب نمی‌دهد؛ حتی اگر مخالف صریح عقل باشد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۶). از جمله ویژگی‌های اسلام طالبانی، توجه ویژه به اجرای اصول شریعت همچون نماز، روزه، زکات و ... و اجرای حدود اسلامی از جمله حد زنا، سرقت و سایر جرایم شرعی است؛ تا جایی که می‌توان اجرای این اصول و حدود را یکی از اصول اساسی شریعت در اسلام سلفی برشمرد. طالبان با اعمال قوانین محدودکننده مربوط به پوشش و رفتار زنان، به اجرای اصول شریعت اسلامی در زندگی اجتماعی تأکید دارند. آن‌ها مدعی هستند که از نظر فقهی به‌عنوان یک گروه سنی، به تفسیرها و اصول مکتب حنفی پایبند هستند. ندا محمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان در نشستی در ولایت کنر گفت که در افغانستان «مذاهب وجود ندارد» و تمام مردم، پیرو مذهب حنفی هستند (اعتماد آنلاین، ۲۰۲۳). همان‌طور که در ادامه بحث خواهد آمد، طالبان در وضع و اجرای قوانین اسلامی، تأکید بیشتری بر تفسیر خاص خود دارند که در برخی موارد، مطابقت کاملی با تفسیرهای مکتب حنفی ندارد.

۵. نقش و جایگاه زن در دیدگاه سلفی طالبان

طالبان به‌طور کلی به دیدگاه‌های سنتی و سخت‌گیرانه‌ای در مورد نقش زنان پایبند هستند که ممکن است با دیدگاه‌های مدرن و انسان‌محور مغایرت داشته باشد. طالبان لیست طولانی از موارد ممنوعیت برخورداری زنان افغان از برخی حقوق خود را ارائه کرده است:

۱. ممنوعیت مطلق هرگونه حضور و فعالیت خارج از خانه مگر به همراهی یک مرد محرم، مانند پدر، برادر یا شوهر؛
۲. ممنوعیت سخن گفتن با فروشنده‌گان مرد؛
۳. ممنوعیت پوشیدن کفشی که پاشنه‌اش هنگام راه رفتن ایجاد صدا کند؛
۴. ممنوعیت مراجعه به پزشکان مرد؛
۵. ممنوعیت سخن گفتن و دست دادن با مردان نامحرم؛
۶. ممنوعیت ظاهر شدن در بالکن‌ها، رنگ کردن اجباری شیشه‌های پنجره تا زنان از بیرون دیده نشوند؛

۷. ممنوعیت تحصیل در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تبدیل مدارس دخترانه به مکاتب قرآن؛

۸. ممنوعیت استفاده از حمام‌های عمومی برای زنان. طالبان همچنین برای تخلف از ممنوعیت‌های معین شده برای زنان، مجازاتی نیز تعریف کرده است. از جمله: مجازات حبس برای زنان و دخترانی که تحصیلات خود را به شکل غیررسمی ادامه دهند. شلاق زدن و کتک زدن زنانی که پوشش آن‌ها با مقررات تعیین شده به وسیله طالبان همخوانی نداشت یا بدون همراهی یک محرم از خانه خارج می‌شدند. شلاق زدن زنان در ملأعام به خاطر دیده شدن مچ پا و سنگسار علنی زنان متهم به زنا (امامی، ۱۳۷۸، صص ۲۰۹-۲۰۸؛ کورنا، ۱۳۸۳، ص. ۶۲). در ادامه دیدگاه طالبان درباره زنان در چند محور اصلی بحث و بررسی می‌شود:

۱-۵. حجاب

طالبان به حجاب و پوشش زنان اهمیت بسیار زیادی می‌دهند و سخت گیرانه از زنان می‌خواهند که حجاب خود را رعایت کنند. بر اساس این دیدگاه، زنان باید لباس‌هایی را بپوشند که با تفسیر آن‌ها از شریعت اسلامی سازگار است. این پوشش ممکن است شامل تمام بدن و حتی صورت باشد. همچنین زنان افغان محدودیت‌هایی در آرایش کردن، استفاده از جواهرات و لباس‌های بسیار زیبا و موجب جلب توجه دارند. طالبان حتی عروس‌ها را نیز از رنگ کردن ناخن و حنا منع نموده و مورد بازرسی قرار می‌دهند (مخملباف، ۱۳۸۱، ص. ۸۶).

طالبان پس از تصرف قندهار و نواحی آن و همچنین تسلط بر سایر شهرها، در اولین فرمان‌های خویش از زنان خواستند که در انتظار عمومی ظاهر نشوند و فقط زمانی از خانه خارج شوند که پوشش کامل داشته باشند (مارسدن، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۲). طالبان معتقدند «زنان از آغاز آفرینش، گنهکار آفریده شده‌اند و تنها راه فرار یک مسلمان اصیل از گناه، این است که زنان وی در پنهانی‌ترین گوشه خانه، چادر به سر کرده، پنهانی زندگی کنند» (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۹).

طالبان در صورت عدم رعایت این قوانین، با خشونت با زنان خاطی و شوهرانشان برخورد می‌کند. بسیاری از زنان کابل که به چادر عادت نداشته یا چادرشان به اندازه لازم بلند نبود و جوراب‌های سفیدرنگ پرچم طالبان پوشیده بودند و از قوانین و آموزه‌های طالبان تخطی

می کردند در اماکن عمومی مورد حمله و ضرب و شتم پلیس مذهبی «مأموران امر به معروف و نهی از منکر طالبان» قرار گرفتند (امامی، ۱۳۷۸، ص. ۲۰۸).

طبق قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان که در تابستان ۱۴۰۳ به امضای هیئت الله آخوندزاده رهبر طالبان رسیده و ابلاغ شده، حجاب شرعی «به لباسی گفته می شود که تمام بدن و روی زن را از نامحرمان می پوشاند، نازک و کوتاه و چسپ نباشد» (ماده ۳، بند ۱۰). این قانون در تمام ادارات، اماکن عمومی و بر اشخاصی که در قلمرو افغانستان اقامت دارند، تطبیق می شود (ماده ۴).

براین اساس، احکام مربوط به حجاب زنان:

۱. ستر تمام بدن زن لازم است.
۲. پنهان کردن روی زن به سبب ترس از فتنه ضروری است.
۳. صدای زنان (بلند خواندن آهنگها، نعتها، قرائت در مجمع) عورت است.
۴. لباس زنان، نازک، کوتاه و چسپ نباشد.
۵. زنان مسلمان مکلف اند که بدن و روی خویش را از مردان نامحرم پنهان کنند.
۶. ستر زنان مسلمان و صالح کافر و فاسق از ترس فتنه واجب است.
۷. نظر کردن مردان بالغ بیگانه به بدن و روی زنان و نظر کردن زنان بالغ به مردان بیگانه حرام است.
۸. هرگاه زن بالغ برای حاجت ضروری از خانه خویش بیرون شد، مکلف است که صدا، روی و بدن خود را ستر نماید (ماده ۱۳ قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان).

۲-۵. ازدواج

در دیدگاه طالبان، زنان معمولاً در مسائل مهم اجتماعی و خانوادگی حق تصمیم گیری ندارند و تصمیم اصلی در خانواده و جامعه را مردان می گیرند. از آنجاکه هیچ راهی برای ملاقات زنان با مردان جوان وجود ندارد، خانواده‌ها ازدواج‌ها را برنامه‌ریزی می کنند. حتی در بسیاری از مواقع در اجرای خطبه عقد، پدر یا برادر عروس، به جای عروس، کلمه «بله» را می گویند (کورنا، ۱۳۸۳، ص. ۷۶).

تداوم جنگ و به دنبال آن فقر در افغانستان، خانواده‌های افغان را به سوی کسب درآمد از طریق فروش دختران و واداشتن آنان به قبول ازدواج‌های اجباری سوق داده است. دختران در سنین پایین (گاهی فقط ۶ سال) مجبور می‌شوند با مردانی که سال‌ها از آنان بزرگ‌تر هستند ازدواج کنند (مخملباف، ۱۳۸۱، ص. ۸۶). آن‌ها در واقع به‌عنوان کنیز قدم به خانه شوهرانشان می‌گذارند، از دیدار والدین و خواهر و برادرانشان محروم شده و از رفتن به مدرسه و تحصیل بازمی‌مانند (محمدپور، ۱۳۸۵، ص. ۵۸).

تعدد زوجات در نظر طالبان به رسمیت شناخته شده و حتی در سنین پایین برای مردان جوان نیز رایج است تا جایی که خانه بسیاری از خانواده‌های افغان را به حرم‌سرا تبدیل کرده است (مخملباف، ۱۳۸۱، ص. ۸۶).

۳-۵. اشتغال و مشارکت اجتماعی

طالبان به محض به قدرت رسیدن وزارت امور زنان را تعطیل و وزارت امر به معروف و نهی از منکر را جایگزین آن کرد. پس از آن با اقدامات مختلف، زنان و دختران به‌طور فزاینده‌ای از دسترسی آزاد به سایر فضاهای عمومی منع شدند. طالبان در ۷ مه سال ۲۰۲۲ برقع را بر زنان تحمیل کرد و اعلام کرد زنان برای سفرهای با مسافتی بیش از ۷۵ کیلومتر، ملزم به داشتن یک مرد محرم برای همراهی هستند. همچنین امارت اسلامی اعلام کرد که بستگان مرد مسئولیت هرگونه نقض محدودیت‌های زنان و دختران در خانواده‌های خود را بر عهده دارند. این امر باعث شد تا مردان خانواده از ترس مجازات، حقوق زنان را محدود کنند. طالبان زنانی را که علیه این محدودیت‌ها به‌طور عمومی یا در رسانه‌های اجتماعی اعتراض کردند، سرکوب کرد علاوه بر این، کار و فعالیت اجتماعی زنان و دختران در سازمان‌های مردم‌نهاد و خصوصی از سوی طالبان ممنوع شد. همچنین در بخش دولتی نیز به بیشتر کارمندان زن دولت گفته است که به‌استثنای کسانی که در بخش‌های خاصی مانند بهداشت و آموزش کار می‌کنند، در خانه بمانند. آنها همچنین استفاده از پارک‌ها، سالن‌های ورزشی و حمام‌های عمومی را برای زنان ممنوع اعلام کردند (خبر آنلاین، ۱۴۰۲/۵/۸).

طالبان معتقدند که زنان باید در فضای عمومی محدود شوند. آن‌ها کار کردن زنان در خارج از منزل را ممنوع کرده، مدارس دخترانه را بستند و از ورود زنان به دانشگاه‌ها و ادارات

دولتی به شدت جلوگیری کردند (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۱).

گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که حدود ۴۰ تا ۱۵۰ هزار زن شامل معلمان، دکترها، پرستاران، کارمندان اداری و سایر کارمندان غیرنظامی از اشتغال در افغانستان ممنوع شده‌اند. سه روز پس از تصرف کابل، مولوی و کیل احمد، عضو شورای مرکزی و مشاور ارشد بنیان‌گذار جنبش، یعنی ملامحمد عمر اعلام کرد که دولت به پرداخت حقوق کارکنان زن دولت ادامه خواهد داد؛ اما او اضافه کرد: ما هنوز بر این باوریم که زنان نمی‌توانند در آینده در ادارات دولتی کار کنند (میلی، ۱۳۷۷، ص. ۲۱۱).

طالبان پس از تسلط بر کابل دستور دادند که زنان شاغل در اداره‌های دولتی در خانه بمانند؛ اما معاششان پرداخت شود. این گروه در آن روزها به زنان اجازه داده بودند که هر هفته یک‌بار برای امضای حاضری به دفاتر کاریشان بروند و سپس به خانه‌های خود بازگردند؛ اما دیری نگذشت که از این امر نیز محروم ساخته شدند. همچنان شهرداری کابل تحت کنترل طالبان نیز اعلام کرده بود که تنها زنانی می‌توانند به وظایفشان برگردند که مردان نمی‌توانند جایگزین آنان شوند. همچنین ریاست عواید وزارت مالیه طالبان در اقدامی در ۲۰ سنبله ۱۴۰۱، به کارمندان زن این ریاست گفته بود که اعضای مرد خانواده‌شان را برای کار به جای خود معرفی کنند؛ اما بسیاری از زنان که تنها نان‌آور خانواده‌هایشان هستند، گفته بودند که هیچ مردی در خانه ندارند؛ برخی از آنان در جنگ با طالبان یا در حملات انتحاری این گروه کشته شده‌اند. وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان نامه‌ای را به وزارت صحت عامه فرستاده که در آن قیود جدی بالای کارکنان صحتی زن و مرد وضع شده است. بر اساس این نامه، کارکنان زن باید حجاب موردنظر این گروه را رعایت و در دفاتر جداگانه از مردان کار کنند. در این نامه به کارمندان مرد نیز تذکر داده شد که صورت خود را مطابق سنت نبوی آراسته کنند و به مراجعان زن بدون رعایت حجاب موردنظر طالبان، اجازه ورود به وزارت صحت عامه و سایر نهادهای دیگر داده نشود. طالبان در خصوص منع زنان از کار در قضا فرمان رسمی صادر نکرده‌اند؛ اما سخنگویان طالبان حضور زنان در این بخش را خلاف قوانین شرعی خوانده و گفته‌اند که به حضور زنان در قضا نیازی نیست. عنایت‌الله، معاون سخنگوی دادگاه عالی طالبان، ادعا کرده که قاضی‌های زن درباره قوانین شرعی معلومات کافی ندارند و شریعت به زن اجازه قصاص و حدود را نداده است. برخی دیگر از محدودیت‌های طالبان

برای اشتغال و مشارکت اجتماعی زنان شامل نهادهای خصوصی نیز می‌شود. وزارت اقتصاد تحت کنترل طالبان در ۳ جدی ۱۴۰۱، با صدور مکتوبی با شماره ۴۲۹۳ به مؤسسه‌های داخلی و بین‌المللی دستور داد که کار کارمندان زن را «تا امر ثانی» متوقف کنند. این مکتوب با امضای دین محمد حنیف، سرپرست طالبان برای وزارت اقتصاد، امضا و به مؤسسات فرستاده شده بود. در مکتوب هشدار داده شده بود که در صورت تخطی از این امر طالبان، جواز فعالیت مؤسسات لغو شده و مورد مجازات قرار خواهند گرفت. این گروه مدعی شده بود که دلیل این امر، رعایت نکردن «حجاب اسلامی» و «سایر قوانین و مقررات» است. سازمان ملل روز چهارشنبه، ۱۴ حمل ۱۴۰۲، اعلام کرد که مسئولان طالبان به آن‌ها اطلاع داده‌اند که دیگر هیچ زن شهروند افغانستان اجازه کار در دفاتر سازمان ملل متحد در این کشور را ندارد. این سازمان به تمام کارمندان زن و مرد خود گفته بود که تا اطلاع ثانوی به محل کار خود حاضر نشوند (امین، ۲۶/۵/۱۴۰۳).

رهبران طالبان کلیه حقوق سیاسی- اجتماعی زنان از جمله اشتغال در خارج از خانه را از آن‌ها سلب نمودند. این کار حذف درآمدهای هر چند ناچیز؛ اما مؤثر آنان را به دنبال داشته است (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۲).

محمد عمر یکی از رهبران گروه طالبان، رعایت حقوق زنان و دختران را مخالف اسلام دانسته و معتقد بود که مشارکت اجتماعی این قشر در جامعه موجب فساد اخلاقی در اجتماع می‌شود (کاشانی، ۱۳۷۷، ص. ۵۸).

بر اساس قانون امر به معروف و نهی از منکر، محدودیت حضور اجتماعی زنان به تردد در شهر و استفاده از وسایل نقلیه عمومی نیز کشیده می‌شود. طبق ماده ۲۰، محتسب مسئولیت دارد، مسئولین و رانندگان وسایل نقلیه را به «منع نمودن از انتقال زنان بی‌حجاب»، «مکلف کردن به جلوگیری از نشستن و اختلاط زنان با مردان نامحرم» و «اجتناب از انتقال زنان بدون محرم شرعی عاقل و بالغ» مکلف کند. حتی «خارج شدن صدای زن» همچون خارج شدن صدای موسیقی بیرون از خانه یا مجلس، ممنوع است (بند ۱۰ ماده ۲۲ قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان).

۴-۵. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به معنای فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی که از شرط‌های لازم دموکراسی است (لیست، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۲۴). برخی تعریف گسترده‌تری از مشارکت سیاسی ارائه داده‌اند: هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (واینر، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷). در بسیاری از کشورها زنان به خاطر جنسیتشان عملاً از مشارکت سیاسی محروم شده‌اند و اغلب تقویت شده‌اند تا ناظرانی صرف باشند تا شرکت‌کنندگانی فعال (Zelek, 2005, p. 4). از منظر طالبان نیز زنان شأنی برای تصدی مناصب سیاسی ندارند، زیرا پیامبر اسلام هیچ زنی را متصدی منصب قضا یا سرپرستی شهرها نکرده است (ابن‌قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۳۶).

مشارکت سیاسی زنان در دوره قبل طالبان، به صورت شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها بود؛ اما در زمان طالبان، مشارکت زنان در همین سطح هم مطرح نبود. به طریق اولی مشارکت در سطح نخبگان که مستلزم اعلام نامزدی و عضویت زنان در مجلس قانون‌گذاری، نفوذ در نهادهای سیاسی در سطوح بالای تصمیم‌گیری است نیز در مرکز توجه قرار نداشت (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱).

با وجود اعتراضات جهانی به این‌گونه سیاست‌های طالبان، آن‌ها همچنان معتقدند زمان حاضر ایجاب می‌کند که به این‌گونه اقدامات دست بزنند.

۵-۵. آموزش و تحصیل

از جمله حقوقی که طالبان برای زنان ممنوع کرده است، حق آموزش و تحصیل در مقاطع بالاست. با آمدن طالبان، زنان دیگر حق تحصیل و تدریس نداشته و باید در خانه بمانند. در واقع طالبان نه تنها اعتقادی به علوم جدید و دروس دانشگاهی ندارند؛ بلکه وجود آن‌ها را همانند تلویزیون، عکاسی و... برای اسلام مضر و حرام می‌دانند. آن‌ها علاوه بر بستن مدارس دخترانه در سطح کشور، به استثنای تعداد محدودی در کابل و جلال‌آباد که آن هم بیشتر به جهت ملاحظات سیاسی است، عملاً اجازه نمی‌دهند در سایر استان‌ها نهادهای علمی و دانشگاهی

فعال باشند. دانشجویان دانشگاه کابل نیز بیشتر از میان قوم پشتون که طالبان به آن‌ها تعلق دارند، انتخاب شده‌اند (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۲۰۱).

بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۶، ۱۵۸ مکتب در کابل فعالیت داشت که در آن‌ها ۱۴۸ هزار و ۲۲۳ پسر و ۱۰۳ هزار و ۲۵۶ دختر به وسیله ۱۱ هزار و ۲۰۸ معلم آموزش می‌دیدند و ۷ هزار و ۷۹۳ نفر از این معلمان زن بودند (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۷). طبق گزارش وزارت معارف (آموزش و پرورش) افغانستان، در آن زمان ۴۰۰ مدرسه به سبب ناامنی که عامل عمده آن طالبان بود، بسته شد و بیشتر از ۱۵۰ هزار شاگرد از تعلیم و تربیت محروم شدند. به گفته وی ۱۱۰ آموزگار در دوران طالبان کشته و یک‌صد نفر زخمی شدند (غله‌دار، ۱۳۹۰، ص. ۹۷). در دوران طالبان، مکاتب و دانشگاه‌ها یکی پس از دیگری به روی زنان بسته شد و هیچ زنی اجازه تحصیل نداشت (جعفری، ۱۳۹۵، ص. ۷۵). همچنین طالبان ده مدرسه دخترانه خانگی را با ترس از اینکه کمونیست‌ها یا مسیحی‌ها برای تبلیغ مرام خود از آنجا استفاده کنند، بستند (میلی، ۱۳۷۷، ص. ۲۱۰).

در راستای ایجاد محدودیت بر آموزش و تحصیل زنان و دختران، طالبان از اواخر سال ۲۰۲۲ شرکت زنان در آزمون ورودی دانشگاه‌های خصوصی را ممنوع کرده است. نامه مربوط به این فرمان هشدار می‌دهد که زنان نمی‌توانند در آزمون ورودی برای مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا شرکت کنند و اگر هر دانشگاهی از این فرمان سرپیچی کند، با برخورد قانونی روبرو خواهد شد. این نامه به امضای محمد سلیم افغان، مقام دولتی ناظر بر امور محصلین در دانشگاه‌های خصوصی رسیده است. در واکنش به این تصمیم نمایندگی ویژه سازمان ملل در امور افغانستان خواستار لغو فوری این فرمان شد و این حکم را خلاف وعده‌ها و تعهدهای پیشین طالبان برای بازگشایی دانشگاه‌ها برای زنان و دختران دانست. طبق آخرین آمار، افغانستان دارای ۱۴۰ دانشگاه خصوصی در ۲۴ ولایت است که حدود ۲۰۰۰۰۰ دانشجو دارد. از این تعداد، حدود ۶۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ زن بودند که البته از ادامه تحصیل منع شدند. گفتنی است وزیر فعلی تحصیلات عالی افغانستان پیش از این تصمیم، بارها مخالفت خود را با تحصیل زنان اعلام کرده بود. مولوی ندا محمد ندیم به دفعات در سخنرانی‌هایش از دولت پیشین به دلیل دادن اجازه کار و تحصیل به زنان انتقاد کرده و این کار را عامل فحشا و فساد دانسته است. او در سخنرانی‌هایش

تأکید می‌کند زنان باید در خانه بمانند تا جلوی فساد در جامعه گرفته شود (خبر آنلاین، ۱۴۰۲/۵/۸).

۶-۵. خدمات بهداشتی و درمانی

بنا به دستور وزارت بهداشت طالبان، زنانی که بدون همراهی مرد به پزشک مراجعه کنند، از تمام خدمات پزشکی محروم هستند. زنان بیمار باید محرمی مانند پسر، شوهر یا پدرشان را همراه خود ببرند تا به واسطه آن مرد محرم، درد خود را به طبیب بگویند. بخش مقررات و تفتیش وزارت صحت عامه (بهداشت) طالبان، به تمامی دکتران و کارکنان مراکز درمانی ابلاغ کرده است که به زنان بیماری که از آوردن محارم خود، خودداری می‌ورزند، هیچ‌گونه خدمات درمانی ارائه ندهند (عصمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۶). این دستورات، مشکلات جدی برای هزاران زن افغان که محارم نزدیک ندارند، به وجود آورده است. هزاران زن در کابل و مناطق دیگر هستند که هیچ‌گونه اقارب و بستگان مرد ندارند و در صورت بیماری باید در خانه بمانند و مرگ زودرس خود را انتظار بکشند (مخملباف، ۱۳۸۱، ص. ۸۷) از سوی دیگر، میزان دسترسی زنان به پزشک و امکانات بهداشتی به‌ویژه در روستاها کمتر شده است. براساس قوانین طالبان، پزشکان و پرستاران مرد، مجاز به مداوای زنان نیستند. بدین ترتیب، زن افغان با بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ خود روبروست (مارسدن، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۹).

۶. نقش و جایگاه زن در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی

امام در تبیین رویکرد اسلام به جایگاه زنان می‌گوید: «زن‌ها در صدر اسلام توی میدان‌ها می‌رفتند. در همین جنگ‌های اسلامی توی میدان‌ها می‌رفتند برای پرستاری ... اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. ... همان‌طوری که مرد همه کارهای اساسی را می‌کند زن هم بکند، ... می‌خواهد زن را حیثیت و احترامش را حفظ کند؛ می‌خواهد شخصیت به زن بدهد که از این شیثیت بیرون بیاید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، صص. ۴۲۸-۴۲۶).

ایشان افزون بر اینکه نقش زنان در جامعه را ارج می‌نهد، آن را بالاتر از نقش مرد و معلم

ارزیابی می‌کرد:

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه

خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است؛ و این امری است که انبیا می‌خواستند. می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آن‌ها تربیت کنند جامعه را. ... شما هدایت کنید مردان را و هدایت کنید و نصیحت کنید دولتمردان را. شما مادران خوبی برای اطفال باشید و ناصحان خوبی برای جامعه و زحمت‌کشان خوبی برای مستمندان (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، صص. ۱۹۸ - ۱۹۷)

«زن‌ها مقام کرامت دارند. زن‌ها اختیار دارند؛ همان‌طوری که مردها اختیار دارند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، صص. ۳۰۱-۳۰۰).

از دیدگاه وی، خانواده اولین و مهم‌ترین جایگاه تربیتی بشر و محل بروز و ظهور عواطف انسانی و رکن عمده جامعه است و نقش مادر در تربیت فرزند از همه عوامل دیگر مانند دوست، اجتماع و حتی معلم بیشتر است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص. ۳۶۳). همچنین زنان در هر جامعه‌ای تعیین‌کننده مسیر حرکت آن جامعه هستند.

زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۳۳۹)

۱-۶. حجاب

امام مبتنی بر آموزه‌های فقه اسلامی، حجاب را یک واجب دینی برای زنان مسلمان می‌دانست. وی با تأکید بر نقش حجاب در حفظ و رشد کرامت زنان، آنان را به حفظ هویت اسلامی خود توصیه کرده، تقلید و الگوبرداری از پوشش زنان اروپایی را مایه ننگ کشورهای اسلامی می‌دانست. امام حجاب و پوشش بانوان را «دژ محکم عفت و عصمت» معرفی کرده (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۳۵۶) و همواره کشف حجاب رضاخانی را به شدت محکوم می‌کرد و آن را نه در راستای اصلاحات، بلکه خلاف مصلحت، عامل ایجاد انحراف و مانعی برای رشد

مملکت می دانست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، صص. ۱۹۳-۱۹۱؛ ج ۷، ص. ۳۳۳).

ایشان اساساً حجاب اسلامی زنان را مخالف آزادی آنان نمی داند. به تعبیر وی، گویا آزادی از منظر اسلام با آنچه در غرب از آن یاد شده معنای یکسانی ندارد. از منظر ایشان حفظ کرامت و شخصیت زن به واسطه حجاب و عفاف با آزادی پیوند دارد، بی حجابی در واقع تعرض دیگران به حریم آزادی زن است. امام نقض آزادی زنان با کشف حجاب اجباری را این گونه به چالش می کشد:

مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کم رنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم (ص) می باشد ... چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است؟! ... چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالف اند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۳۲۸)

به فتوای امام درباره محدودده حجاب و پوشش زن مسلمان، پوشاندن صورت و دست ها تا میج الزامی نیست (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۲۴۷). همچنین درباره خروج زن از منزل امام گرچه اذن همسر را لازم می داند؛ اما در صورت اذن منعی برای تردد زنان در کوچه و خیابان و ادارات و دانشگاه ها و به طور کلی اماکن عمومی نمی داند. در خاطرات همسر امام نیز آمده که امام در سال های آغازین زندگی، اجازه خروج از منزل به قصد خرید را به ایشان نمی داده است؛ اما به تدریج با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر فضای حاکم بر جامعه و اسلامی شدن آن، این اجازه به ایشان داده شد (ثقفی، ۱۳۹۴، صص. ۹۹، ۱۰۲-۱۰۱).

امام در حجاب، لباس خاصی را معتبر نمی دانست. اگرچه چادر از نظر ایشان حجاب کامل بود؛ اما آن را الزامی نمی دانست، بلکه زن را مختار در انتخاب هر پوششی می دانست که حجابش را حفظ کند. هدف از حجاب زن را حفظ شخصیت زن و مقابله با هوسرانی و نگاه ابزاری مرد به زن می دانست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۲۹۴، ج ۱۹، ص. ۱۸۵).

۲-۶. ازدواج

بانوان به تعبیر امام از جنبه حقوق اجتماعی که وابسته به حیثیت انسانی آنان است، با مردان مساوی هستند. از دیدگاه ایشان یکی از حقوق مهم و سرنوشت‌ساز زنان حق انتخاب همسر است. وی تأکید داشت که در اسلام زنان همانند مردان حق انتخاب همسر دارند و این انتخاب باید با رضایت آن‌ها صورت گیرد. زن می‌تواند با آزادی کامل و در چهارچوب قوانین اسلام هر شوهری که مایل است، اختیار نماید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۲۹۳).

از منظر امام اختیار مرد و زن در ازدواج شرط صحت عقد به شمار می‌آید. همچنین زن و مرد می‌توانند پیش از ازدواج و به قصد ازدواج به یکدیگر نگاه کنند تا با آگاهی از وضع ظاهری یکدیگر دست به انتخاب بزنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، صص. ۷۰۱-۷۰۰).

ایشان ترویج دختر صغیره را پیش از سن بلوغ به وسیله ولی وی (پدر و جد پدری) جایز و صحیح می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۷۰۷). درباره شرط اذن پدر در ازدواج دختر باکره در دو کتاب توضیح المسائل (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۳۷۷، مسئله ۲۳۷۶) و تحریر الوسیله (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۷۰۸) دیدگاه‌های متفاوتی ابراز داشته است. در استفتائی که درباره نظر نهایی ایشان به عمل آمده نهایتاً پاسخ داده است: «ازدواج دختر باکره باید با اجازه پدر باشد، بلی اگر پسر کفو عرفی و شرعی دختر باشد و دختر میل به ازدواج دارد و بترسد که اگر با او ازدواج نکند دیگر شوهر خوبی برای او پیدا نشود، پدر نمی‌تواند او را از ازدواج منع کند» (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۱۷۰).

امام، مادری را بالاترین شغل زن معرفی کرده و کوشش زن در تربیت فرزندان صالح را بیشترین شرافت زن و بهترین خدمت به اجتماع به شمار می‌آورد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۴۶۴). ایشان با وجود اینکه معتقد بود به لحاظ اخلاقی زنان باید به عنوان همسر و مادر، به سامان بخشی به امور منزل و فرزندان اهتمام ویژه‌ای داشته باشند؛ اما کار زن در منزل شوهر را ارج می‌نهاد و تأکید داشت که زنان حق دارند که برای انجام این کارها مورد احترام و حمایت قرار گیرند. به فتوای ایشان زن می‌تواند بابت کارهایی که در منزل شوهر به غیر قصد تبرع انجام داده از همسرش مطالبه اجرت‌المثل کند (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۱۷۹؛ ۱۳۷۹، ص. ۷۵۲).

همچنین باور داشت زنان نه تنها در آغاز زندگی مشترک از آزادی انتخاب همسر برخوردارند، در ادامه آن نیز همچون مردان مختار هستند. زن حق دارد در صورتی که ادامه زندگی مشترک با همسر به دلایل موجهی موجب عسر و حرج است و زوج حاضر به طلاق وی نیست، از دادگاه تقاضای طلاق کند (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۹، صص. ۴۲۳ - ۴۲۲).

همچنین امام دربارهٔ وکالت زن در اجرای طلاق از طرف شوهر مقرر داشته:

زن‌هایی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان. می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بدخلقی کرد با زن، وکیل باشند در طلاق، اسلام برای آن‌ها حق قرار داده است. ... و اگر مردی با زن خودش بدرفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می‌کنند؛ اگر قبول نکرد تعزیر می‌کنند، حد می‌زنند؛ و [باز] اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۰۲)

برای زنان، شارع مقدس راه سهلی معین فرموده که خودشان زمام طلاق را به دست بگیرند، به این معنا که در ضمن عقد نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق، یا به‌طور مطلق یا به‌طور مشروط، یعنی اگر مرد بدرفتاری کرد، یا مثلاً زن گرفت، زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد، در این صورت هیچ اشکالی برای خانم‌ها پیش نمی‌آید و می‌توانند خود را طلاق دهند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص. ۳۸۷)

۳-۶. اشتغال و مشارکت اجتماعی

پیش از انقلاب، امام به‌عنوان یک فقیه به دلیل فضای حاکم بر جامعه و نحوه برخورد با زنان با حضور زنان در جامعه و اشتغال آن‌ها موافق نبوده و فتوا به عدم جواز آن می‌داد. امام در سخنرانی خود در جمع طلاب و اهالی قم در انتقاد به شرایط سیاسی و اجتماعی موجود، به‌کارگیری زنان در فعالیت‌های اجتماعی را موردنقد جدی قرار می‌دهد: «زن‌ها را وارد کردید در ادارات؛ ببینید در هر ادارهای که وارد شدند، آن اداره فلج شد. ... زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌زند؛ می‌خواهید استقلالتان را زن‌ها تأمین کنند؟!» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۱۸).

ایشان همچنین در آن دوران با رانندگی زنان مخالفت می‌کرد. باین‌حال، وقتی از ایشان پرسیدند که آیا واقعاً رانندگی زن حرام است؟ پاسخ داد که رانندگی برای زنان جایز است، متنها در مملکتی که فاسد است رانندگی زن او را در معرض فساد قرار می‌دهد. از این‌رو، ناگزیریم برای حفظ نوامیس زنان را از رانندگی نهی کنیم. باین‌حال، در شروع مبارزات علیه رژیم شاه وقتی سعیدی برای اذن گرفتن از امام برای رانندگی دباغ برای فعالیت‌های مبارزاتی جویای حکم امام می‌شود، امام نه تنها مخالفتی نمی‌کند، بلکه برای حل این مشکل ایشان را در این مسئله به مرجع دیگری که اذن داده است ارجاع می‌دهد (رجایی، ۱۳۷۹، صص. ۲۸۹-۲۸۸) امام، به برخی دلایل مخالفت خود با نقش آفرینی زنان در آن دوران این‌گونه اشاره می‌کند نقشه این بود که این بانوان را از آن مقام اصیل بزرگی که دارند کنار بزنند و به خیال خودشان، نیمی از این جمعیت ایران را آزاد کنند! ... و بعد هم خواستند نتیجه بگیرند که کار اصیل را از دست این‌ها بگیرند تا تربیت اولاد را این‌ها نتوانند بکنند. ... البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد؛ لکن نه آن طوری که آن‌ها می‌خواستند. آن‌ها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. ... [بلکه] نگذارند بچه‌های ما تربیت صحیح بشوند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۳۳۲)

ایشان با پیروزی انقلاب اسلامی و اسلامی شدن محیط ادارات و دانشگاه‌ها از حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی استقبال کرد تا جایی که مشارکت فعال زنان در اجتماع و دخالت در حفظ آن را نه تنها حق زنان، بلکه تکلیف آنان می‌دانست و کناره‌گیری زنان از مداخله در امور و شانه خالی کردن آن‌ها از تکلیف به بهانه حضور مردان را خیالی نادرست می‌دانست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص. ۵۰۰). همچنین بر مشارکت زنان در امور تأکید زیادی داشت: «مملکت از خود شماست انشاء الله. ... شما باید بسازید مملکت را. همه ملت ایران - چه بانوان و چه مردان - باید این خرابه‌ای که برای ما گذاشته‌اند، بسازند. با دست مرد تنها درست نمی‌شود؛ مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۰۱). «زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند. ... امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزادی زنان و آزادی مردان» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۲۷۵).

وی در وصف فعالیت‌های بانوان مسلمان ایران می‌گوید: «بانوان ایران در همه‌جا فعالیت می‌کردند، چه فعالیت‌های فرهنگی و چه فعالیت‌های اقتصادی که قشر کثیری از آن‌ها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آن‌ها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر و همه این‌ها پیش‌خداى تبارک‌وتعالی مشكور است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص. ۱۸۴).

ایشان با تأکید بر نقش حساس زن در بنای جامعه اسلامی، بیان می‌کند که زن می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص. ۴۳۶). در استفتائات مختلفی که از امام درباره‌ی اشتغال زنان و فعالیت‌های اجتماعی آنان از جمله: امدادگری و فعالیت در جبهه‌ها، خدمات اجتماعی و فرهنگی، فعالیت در گروه تحقیق هیأت‌های بدوی، فعالیت در سپاه، شرکت در راهپیمایی‌ها و نماز جمعه، معلمی، پرستاری، پزشکی، فعالیت در ارگان‌های انقلابی‌گوندگی رادیو و ... به‌عمل آمده، ایشان انواع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زن بیرون از خانه را مشروط به اینکه زن بدون اجازه همسر از خانه خارج نشود و کار کردن وی منافاتی با حفظ حجاب و عفت وی و حقوق زناشویی همسر نداشته باشد، جایز دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص. ۳۵۸-۳۴۶). در فتوای دیگری نیز در صورتی که اشتغال زن در ضمن عقد، شرط شده باشد یا عقد مبنی بر این شرط واقع شده باشد، ممانعت شوهر از خروج زن از منزل را بی‌اثر دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۳۵۸).

۴-۶. مشارکت سیاسی

در جریان تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی، امام در تلگرافی به اسدالله علم نخست‌وزیر وقت نسبت به ورود زنان به مجلسین هشدار می‌دهد:

در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است. ... ورود زن‌ها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف [است با] قوانین محکم اسلام ... حق رأی دادن به زن‌ها و انتخاب آن‌ها در همه مراحل، مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شورا، مصوب و موشح ربع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۸۰)

اما در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن حضور زنان به عنوان بخشی تأثیرگذار در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی مورد توجه امام قرار گرفت. وی در سخنان خود مکرر به نقش سیاسی زنان پرافتخار ایران در پیشبرد انقلاب اسلامی و ناامید کردن اجانب مباهات می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۳۱۶). امام نه تنها حق رأی دادن و رأی گرفتن را برای زنان به رسمیت می‌شناخت آن‌ها را به شرکت در انتخابات تشویق می‌کرد:

شما باید در همه صحنه‌ها و میدان‌ها آن قدری که اسلام اجازه داده وارد باشید، مثل انتخابات... همان طوری که مردها فعالیت می‌کنند برای انتخابات، خانم‌ها هم باید فعالیت بکنند برای اینکه فرقی مابین شما و دیگران در سرنوشتان نیست. ... همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۴۰۳)

«زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۱۸۳).

نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی تا حدی بود که گاه از آن به «انقلاب چادری‌ها» یاد می‌شود. از نگاه امام، نماد ارزشمند و بسیار روشن زن در جامعه اسلامی، زنی است که در براندازی رژیم شاه و پس از آن در مراحل تصویب و تثبیت جمهوری اسلامی نقش ارزنده‌ای داشته است. امام از نقش آفرینی زنان در جنگ تحمیلی ایران و عراق و دفاع از کشور نیز احساس خرسندی می‌نمود:

اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، ... زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند. بانوان از صدر اسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند. ... می‌بینیم و دیدیم که زن‌ها، بانوان محترمت هم‌دوش مردان بلکه جلو مردان در صف قتال ایستادند. بچه‌های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند و شجاعانه مقاومت کردند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۰۰)

۵-۶. آموزش و تحصیل

امام با طرح پرسش‌هایی که چرا با درس خواندن زن یا کار زن مخالف باشیم؟ در حقیقت رأی اسلام اصیل را بیان کرده است و از این نگاه به آزادی بانوان با حفظ حجاب که حفظ کرامت انسانی آنان است می‌پردازد و معتقد است که زن مانند مرد در آموزش، تصدی کارهای دولتی، مسافرت و دیگر حقوق اجتماعی آزاد است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۰۰).

در پرسش خبرنگار آلمانی که پرسید: در حکومت آینده، آزادی زنان چگونه خواهد بود؟ آیا زن‌ها باید مدارس را رها کرده، به منازل بروند یا اینکه امکان ادامه تحصیل برایشان وجود خواهد داشت؟ پاسخ می‌دهد: «زن‌ها آزاد هستند و در تحصیل هم آزاد هستند، در کارهای دیگر هم آزادند، همان‌طور که مردها آزادند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص. ۴۸۰).

امام وضعیت تحصیل زنان بعد از پیروزی انقلاب را این‌گونه تصویر می‌کند:

حالا طوری شده است که خانم‌ها هم‌دوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب علم و ان‌شاءالله صنعت، فعالیت می‌کنند. آن وقت می‌گفتند که نیمی از جمعیت ایران که در پرده هستند، دیگر کاری ازشان نمی‌آید. نه اینکه می‌خواستند کاری ازشان بیاید... بلکه می‌خواستند که این‌ها را وارد کنند در جامعه به آن ترتیبی که خود آن‌ها و رفقا و همراهان آن‌ها بودند و به فساد بکشند جامعه را (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۴۰۲).

امام نه تنها از تحصیل زنان ممانعت نمی‌کرد، بلکه آن‌ها را به مجاهدت در علم، عمل و تهذیب اخلاق تشویق می‌نمود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص. ۷؛ ج ۱۸، ص. ۴۰۵).

در استفتایی نیز امام در صورتی که شوهر مخالفی با خروج زن از منزل نداشته باشد، ادامه تحصیل زن در دانشگاه را جایز دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۱۲۲). همچنین در مسائلی که تحصیل آن بر زن واجب است، خروج زن از منزل را به قصد تحصیل حتی بدون اذن همسر جایز شمرده است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۱۲۴).

۶-۶. خدمات بهداشتی و درمانی

امام بر اهمیت حفظ سلامتی زنان و ارتقای وضعیت بهداشتی آنان تأکید داشت و برخورداری زنان از خدمات بهداشتی و درمانی بدون محدودیت و تفاوتی با مردان را لازم و یک اولویت

مهم اجتماعی می‌دانست. به فتوای ایشان، مراجعه زنان به پزشکان مرد و معاینه موجب لمس یا نظر توسط مردان مشروط به ضرورت و عجز پزشکان زن از تشخیص یا درمان بیماری زنان، بدون اشکال دانسته شده است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۳۵۱). همچنین فعالیت کادر درمانی زن و معاینه و درمان بیماران مرد در بیمارستان‌ها نیز با رعایت موازین شرعی از جمله حجاب و ... جایز شمرده شده است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۳۵۳).

نتیجه‌گیری

این مطالعه در پی مقایسه نگاه اسلام اجتهادی شیعی در قالب اندیشه امام و اسلام سلفی در قالب اندیشه طالبانی بوده است. بر اساس آنچه در یافته‌ها تشریح شد، گرچه مبنای حکمرانی در هر دو کشور ایران و افغانستان، دین اسلام بوده است و از این جهت اشتراکاتی میان سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه در مسائل زنان وجود دارد؛ اما تمایزات و افتراقات میان نگاه اسلام سیاسی در قالب جمهوری اسلامی و اسلام سلفی در قالب اندیشه طالبانی آن‌قدر برجسته و بارز است که کاملاً بر وجوه اشتراک و شباهت دو دیدگاه غلبه دارد.

با مقایسه بین دو دیدگاه یادشده در محورهای شش‌گانه، بیشترین شباهت در رویکرد به حجاب زنان مشاهده می‌شود. هر دو نگاه به الزام زنان در رعایت حجاب در انظار عمومی تأکید دارند. بر این اساس، زنان حین تردد و حضور در اماکن و معابر عمومی شهرها و همچنین محیط کار و سازمان‌های دولتی و غیردولتی طبق قانون ملزم به رعایت حجاب شرعی هستند. این الزام البته بین دو رویکرد امام (که در رویه‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی جاری است) و اسلام سلفی طالبانی تفاوت دارد. خلاصه موارد مورد مقایسه در جدول زیر آمده است.

مقایسه مصادیق دو نگاه طالبانی و اندیشه امام خمینی نسبت به جایگاه زنان

نگاه طالبانی	اندیشه امام خمینی
<p>پوشش کامل بدن و صورت ممنوعیت استفاده از رنگ ناخن و حنا محدودیت در آرایش و استفاده از جواهرات و لباس‌های زیبایی که جلب توجه کند</p>	<p>تأکید بر حجاب البته به جز صورت و دست‌ها ((تا مچ در عین تأکید بر چادر به عنوان حجاب برتر عدم الزام به نوع حجاب خاص</p>
<p>عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های ازدواج نبود حق ملاقات با مردان جوان نبود حق انتخاب همسر</p>	<p>حق انتخاب همسر برای زنان همچون مردان امکان ملاقات زن و مرد برای انتخاب همسر دادن حق مطالبه اجرت‌المثل برای کار منزل تأکید بر ضرورت رضایت زن در ازدواج جایز دانستن ازدواج دختر صغیره قبل از سن بلوغ، تأکید بر ضرورت اذن پدر برای دختر باکره در عین حال، امکان ازدواج دختر بدون اذن پدر در شرایطی خاص دادن حق درخواست طلاق به زن در شرایط عسرو حرج دادن حق وکالت طلاق به زن برای تضمین رعایت حقوق خود در زندگی مشترک</p>
<p>محدودیت در خروج از خانه ممنوعیت کار در خارج از خانه</p>	<p>عدم ممنوعیت حضور در فضای عمومی و معابر البته با اذن همسر مخالفت در کار و فعالیت اجتماعی و رانندگی زنان در شرایط مفسده‌انگیز (دوران حکومت پهلوی) تأیید فعالیت اجتماعی و اشتغال زن در شرایط سالم تأیید و بلکه مطالبه و تکلیف حضور و نقش‌آفرینی اجتماعی زنان در جامعه اسلامی</p>

اندیشه امام خمینی	نگاه طالبانی	
تأیید امکان بر عهده گرفتن مسئولیت مدیریتی زنان در جامعه اسلامی و به شرط منافات نداشتن با حجاب و عفت وی تأیید امکان رأی دادن و رأی گرفتن از سوی زنان، در جامعه اسلامی	ممنوعیت مناصب سیاسی برای زنان منع مشارکت سیاسی حتی در سطح شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها	مشارکت سیاسی
آزادی کامل زنان در تحصیل از مدرسه تا دانشگاه با رعایت شرط اذن همسر اجازه تحصیل در مسائلی که بر زن واجب است حتی بدون اذن همسر	منع تدریس در دانشگاه و مدرسه بستن مدارس دخترانه به استثنای محدودی در کابل و جلال‌آباد منع دختران از تحصیل در دانشگاه	آموزش و تحصیل
امکان برخورداری زنان از خدمات بهداشتی بدون هیچ تفاوتی نسبت به مردان امکان درمان و معاینه بیماران زن از سوی پزشک مرد، با لمس یا نگاه در شرایط ضرورت امکان فعالیت کادر درمانی زن برای معالجه مردان با رعایت موازین شرعی	محرومیت از خدمات پزشکی بدون همراهی مرد محرم ممنوعیت مداوای زنان از سوی مردان کادر پزشکی	استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی

مشاهده می‌شود که هر چند شباهت‌هایی در رویکرد فقهی طالبان و امام در مسائلی همچون حجاب و ازدواج و طلاق وجود دارد؛ اما وجوه تمایز این دو دیدگاه به‌ویژه در مورد اشتغال و مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، آموزش و تحصیلات و استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی بسیار زیاد است. به دلیل تأثیرپذیری گسترده فتاوی‌ای امام از انقلاب اسلامی می‌توان فتاوی‌ای ایشان درباره زنان را به دو بخش پیش‌و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تقسیم نمود. در برخی فتاوی‌ای صادره از امام پیش از انقلاب همچون استحباب حبس زن در خانه، عدم اجازه خروج از منزل به قصد خرید، عدم مشارکت اجتماعی زنان، عدم شرکت در انتخابات، استحباب تعجیل در تزویج دختر، عدم جواز رانندگی زنان، وجوب پوشش صورت و دست‌ها

مشابهت‌هایی با دیدگاه‌های طالبان به چشم می‌خورد، باین‌حال، بر اساس نظریه اصولی و اجتهادی امام مبنی بر لزوم اجتهاد بر اساس مقتضیات زمان و مکان، اندیشه فقهی و سیاسی امام با پیروزی انقلاب اسلامی و اسلامی شدن فضای حاکم بر جامعه دچار تطور و تحول شده است. همین امر دلیل تمایزات برجسته میان اسلام سیاسی امام با اسلام سلفی شده است. بنیادگرایی طالبان با اندیشه نقل‌گرا و متن‌گرای افراطی و تأکید بر حفظ شکل احکام و آموزه‌های قرآن و سنت منطبق با تفاسیر دوران اولیه اسلام و عصر اصحاب پیامبر^(ص) مجالی برای عقل در استنباط احکام نمی‌شناسد؛ بنابراین احکام و فتاوی سخت‌گیرانه طالبان درباره زنان بدون توجه به شرایط زمان و مکان بدون تغییر و انعطاف باقی می‌ماند.

دیدگاه فقهی امام راجع به حجاب و آزادی اجتماعی زنان، نشان می‌دهد که روایت‌های همچون روایت طالبان از اسلام و شریعت، نمی‌تواند روایت اصلی اسلام از آزادی انسانی و اجتماعی انسان به‌خصوص زنان را نمایندگی کند.

گرچه طالبان نیز همچون امام ادعای تشکیل یک حکومت دینی را دارد؛ اما صرف این موضوع، برای اثبات قرابت اندیشه طالبان با رویکرد فقهی و سیره عملی امام به‌ویژه در احکام مربوط زنان کافی نیست. در عوض باید گفت که ما با دو نوع رویکرد کاملاً متفاوت از حکمرانی بر اساس دین مواجهیم که وجوه افتراق بین آن دو کاملاً بر وجوه اشتراک آنها غلبه دارد. در نتیجه با دو جامعه متفاوت بر اساس دو روایت متفاوت، بلکه متضاد از اسلام روبرو هستیم و نه دو جامعه بر اساس دو روایت نزدیک و مشابه در دو کشور همسایه.

منابع

- ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ ق). *المعنی*. قاهره: مکتبه القاهره.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). *استفتاءات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). *رساله توضیح المسائل*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.

- امامی، حسام‌الدین (۱۳۷۸). *افغانستان و ظهور طالبان*. تهران: نشر شاب.
- امین، کاوه، (۱۴۰۳/۰۵/۲۶). ممنوعیت کار زنان توسط طالبان، پایگاه اینترنتی ۸ صبح. <https://8am.media/fa/taliban-ban-on-womens-work-punishment-against-human-dignity>
- ایمانی، علی و احمدوند، ولی محمد (۱۴۰۰). تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر، *اندیشه نوین دینی*، ۱۷ (۶۴)، ۱۷۱-۱۹۲.
- <https://andishe.maaref.ac.ir/article-1-1607-fa.html>
- پلاستون، ولادیمیر و آندریانف، ولادیمیر (۱۳۸۰). *افغانستان در منگنه زیوپلیتیک*. ترجمه عزیز آریانفر، تهران: انتشارات میوند.
- ثقفی، علی (۱۳۹۴). *نگاهی کوتاه به زندگی خانم خدیجه ثقفی همسر امام خمینی بانوی انقلاب*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جعفری، فاطمه (۱۳۹۵). *مشارکت سیاسی زنان در افغانستان*. افغانستان: نشر دانشمند.
- جمشیدی راد، محمدصادق و محمود پناهی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۱). *مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی*. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲ (۵)، ۱۲۷-۱۴۹.
- https://rjir.basu.ac.ir/article_525.html
- حقانی، حفیظ‌الله (۱۳۷۷). *از خواب ملا تا امارت مؤمنین*. ترجمه رحیم‌الله صافی، کابل: نشر میوند.
- قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر طالبان. <https://www.ekhtebare.ir/wp-content/uploads/2024/08/قانون-امر-بالمعروف.pdf>
- خبر آنلاین (۱۴۰۲/۵/۸). *طرد فزاینده زنان از جامعه در افغانستان؛ همه محدودیت‌های طالبان برای زنان: پارک، سالن ورزشی، حمام عمومی و کنکور ممنوع*. <https://www.khabaronline.ir/live/1795211>
- رابین، بارنت (۱۳۸۶). *نجات افغانستان*. ترجمه اعظم ملایی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۲(۱)، ۲۴۱-۲۴۲، ۱۶-۳۱.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/321107>
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۹). *فرق و مذاهب کلامی*. قم: نشر المصطفی، چاپ پنجم.

- رجایی، غلامعلی (۱۳۷۹). *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی*. تهران: نشر عروج.
- اعتماد آنلاین (۲۰۲۳). در افغانستان مذاهب وجود ندارد؛ تمام افغان‌ها پیرو مذهب حنفی‌اند. <https://www.ETEMADONLINE.COM-17/644804>
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۹۰). رویکرد شناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی گری. *فلسفه دین*، ۸ (۱۱)، ۱۳۱-۱۶۰. https://jpht.ut.ac.ir/article_28877.html
- شریعتی، الهام و کلانتر معتمدی، هاجر سادات (۱۳۹۶). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی و آثار اجتماعی آن. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۷ (۲)، ۱۳۱-۱۵۳. https://journal.ut.ac.ir/article_68218.html
- عصمت‌اللهی، محمد هاشم، بینش، وحید و دانش بختیاری، محمدقاسم (۱۳۷۸). *جریان پرشتاب طالبان*. تهران: نشر الهدی.
- غله‌دار، ساحره (۱۳۹۰). وضعیت سیاسی- اجتماعی زنان افغانستان پس از سقوط طالبان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*.
- کاشانی، سارا (۱۳۷۷). *نقض حقوق زنان در افغانستان*. *مجله حقوق زنان*، ۲، ۵۸-۵۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/122941>
- کورنا، لورل (۱۳۸۳). *افغانستان*. ترجمه فاطمه شاداب، تهران: انتشارات ققنوس.
- لیست، سیمور مارتین (۱۳۸۳). *دائرة‌المعارف دمکراسی*. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- مارسدن، پیتر (۱۳۷۹). *طالبان، جنگ، مذهب و نظام جدید در افغانستان*. ترجمه کاظم فیروزمند خلخالی، تهران: نشر مرکز.
- محمدپور، مجید (۱۳۸۵). *افغانستان - فرصت‌ها و تهدیدها*. تهران: انتشارات جاجرمی.
- مخملباف، محسن (۱۳۸۱). *بودا در افغانستان تخریب نشد از شرم فروریخت*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- مولایی، سهیلا (۱۳۹۰). *جایگاه زن در اندیشه سیاسی امام خمینی*. *مجموعه مقالات همایش سراسری اندیشه‌های سیاسی اجتماعی امام خمینی*، ۲۳-۵۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1915763>

- میلی، ویلیام (۱۳۷۷). *افغانستان، طالبان و سیاست‌های جهانی*. ترجمه عبدالغفار محقق، مشهد: نشر ترانه.

- نوروزی، محمدجواد، اسلامی، محسن و اسلامی، مهدی (۱۳۹۸). مبانی نظریه اسلام سیاسی امام خمینی در مقایسه با نظریه‌های رقیب اسلام سلفی و سکولار. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۹ (۴)، ۱۱۹-۱۴۰. <https://www.noormags.ir/view/ar/articlepage/1677744>

- واینر، مایرون (۱۳۸۰). مشارکت سیاسی: بحران فرایند سیاسی. *مجموعه مقالات بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Rashid, A.(2001). *Taliban: The Story of the Afghan Warlords*. United - Kingdom.

Zelek, T. (2005). *The Political Participation of Women in Ethiopia: - Challenges and Prospects*. Ethiopia: Ethiopian Women Lawyers Association